سی‌وچهارمین همایش بانکداری اسلامی: طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران
۲۰ و ۲۱ شهریور ماه ۱۴۰۳، صص. ۲۳۰-۲۰۵

اثربخشی امهال مطالبات غیرجاری در ناترازی بانک‌ها: مطالعه فقهی

فرشته ملاکریمی[۱]
دکتر مهشید شاهچرا[۲]

چکیده

امهال مطالبات معوق و تبدیل آن به مطالبه جاری و ساخت دارایی‌های موهومی در طرف دارایی ترازنامه بانک‌ها یکی از علل مهم تداوم و پنهان ماندن ناترازی شبکه بانکی به‌حساب می‌آید. در واقع، بانک‌ها می‌کوشند با استفاده از راهکار مطالبات غیرجاری به‌نحوی معضل مطالبات معوق را حل کنند. اما این راهکار با اشکالات شرعی همچون حیله ربا و ربای جاهلی (به‌دلیل فقدان قصد جدی) مواجه است. شبهه غرر، اشکال وجه‌التزام و جریمه مضاعف نیز از دیگر چالش‌های شرعی موجود در بحث امهال دیون بانکی است. بنابراین، با توجه به ضرورت استفاده از راهکارهای امهالی در اوضاع دشوار اقتصادی موجود، باید از طریق کاهش پیچیدگی شیوه‌های مورد استفاده در بحث امهال و نظارت مستمر بر اجرای آن، به استفاده حداقلی از آن، فقط در موقع ضرورت و اضطرار اکتفا کرد و با استفاده از روش‌های نوآورانه در آموزش راهکارهای امهال به بانک و مشتری، زمینه را برای واقعی شدن معاملات فراهم کرد و با رعایت استانداردهای شرعی، شبهاتی همچون حیل ربا و ربای جاهلی را مرتفع ساخت.

واژه‌های کلیدی: مطالبات معوق، دارایی موهومی، امهال بدهی، ربای جاهلی، قصد جدی

JEL: G29, E59, Z19

---

[۱] دکتری فقه و حقوق از دانشگاه قم، پژوهشگر پژوهشکده پولی و بانکی، (نویسنده مسئول)؛ f.mollakarimi@gmail.com

[۲] دکتری اقتصاد از دانشگاه اصفهان، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده پولی و بانکی، mahshidshahchera@yahoo.com

مقدمه

یکی از مشکلات جدی سال‌های اخیر شبکه بانکی ایران، وجود معضل مطالبات معوق است. به‌طوری که تحمیل تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها و وجوه مطالبات معوق همراه با افزایش وحشتناک هزینه‌های عملیاتی و تأمین و تجهیز منابع بانک‌ها به‌شدت به ناترازی شبکه بانکی دامن زده و توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها را پایین آورده است. دولت به‌دلیل کمبود منابع مالی، پرداخت وام‌هایی را به شبکه بانکی تحمیل می‌کند که عمدتاً عامل ناترازی بانک‌ها و پیدایش مطالبات معوق می‌شود.

افزایش مطالبات غیرجاری (سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول) در سبد دارایی‌های بانک، احتمال از بین رفتن سرمایه بانک را افزایش می‌دهد. چنانچه این وضعیت در کل شبکه بانکی نمود داشته باشد، احتمال وقوع ناترازی سیستمیک افزایش خواهد یافت. در حال حاضر، شبکه بانکی کشور نیز به‌دلایل مختلفی (که در ادامه به برخی از آن‌ها به‌صورت اجمالی اشاره خواهد شد)، به‌طور جدی درگیر معضل مطالبات غیرجاری است. الزام بانک‌ها به پرداخت بخشی از تعهدات مالی دولت و تسهیلات تکلیفی و حجم بالای مطالبات معوق و تعیین‌تکلیف نشده بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، موجب انجماد بخش قابل‌توجهی از منابع شبکه بانکی شده و در نهایت به تشدید ناترازی بانک‌ها منجر شده است. با توجه به این‌که بانک‌ها امکان تغییر سرفصل مطالبات غیرجاری از طریق امهال را داشته و در واقعیت نیز این کار را انجام می‌دهند، انگیزه آن‌ها از امهال مطالبات غیرجاری، فرار از ذخیره‌گیری برای این مطالبات است که به کاهش دارایی‌های آن‌ها منجر می‌شود.

حجم مطالبات معوق بانکی می‌تواند عملکرد و حتی ثبات نظام‌های بانکی را نیز به مخاطره بیاندازد. از این‌رو ابزار سیاستی مورد استفاده برای مهار مطالبات معوق بانکی به سیاست‌های مهمی در حفظ ثبات مالی و سهولت بهبود اوضاع پس از بحران اقتصادی تبدیل شده است. رشد مطالبات معوق به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. با این حال هر یک از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد مطالبات معوق در معادله زیر برای تبیین چگونگی امهال و اثرات آن بر ترازنامه در نظر گرفته شده است. با یک وقفه وارد نمودن متغیر وابسته در معادلات می‌توان پویایی مدل را افزایش داده و از روش داده‌های تابلویی پویا برای تخمین آن استفاده نمود:

$$\text{Growth of NPL} = \alpha_0\ \text{Growth of NPL}(-1) + \alpha_1 \text{SIZE} + \alpha_2 \text{Deposit ratio} + \alpha_3 \text{Capital ratio} + \alpha_4 \text{ROE} + \alpha_5 \text{growth of loan} + \alpha_6 \text{growth of GDP} + \alpha_7 \text{inflation} + \varepsilon$$

از عوامل تأثیرگذار بر رشد مطالبات معوق، رشد نسبت سپرده به دارایی و نسبت سرمایه به دارایی است. از میان نسبت‌های سودآوری نیز از نسبت بازده سرمایه در مدل استفاده شده است. نسبت بازده حقوق صاحبان سهام است که از حاصل تقسیم خالص درآمدها بر مجموع سرمایه صاحبان سهام محاسبه شده و نشان‌دهنده میزان سودی است که بانک از محل وجوه سرمایه‌گذاری شده توسط صاحبان سهام خود به‌دست می‌آورد و به‌عنوان شاخص سودآوری در مدل و تأثیرگذار بر رشد مطالبات معوق لحاظ شده است. برای در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی، از شاخص رشد تولید ناخالص داخلی استفاده شده است.

از لحاظ تئوری، آزمون‌های ریشه واحد سری‌های چندگانه هستند که برای ساختارهای اطلاعات پنل به‌کار رفته‌اند. در این آزمون‌ها، روند بررسی مانایی، همگی به‌غیر از روش هادری به یک صورت است و با رد فرض صفر، عدم‌مانایی رد می‌شود و بیان‌کننده مانایی متغیر است. بنابراین، با رد فرضیه صفر، نامانایی یا ریشه واحد رد می‌شود و مانایی پذیرفته می‌شود که یا در سطح یا با یک تفاضل یا با دو تفاضل مانا می‌شود که برای تشخیص این قسمت، به احتمال آن توجه می‌شود که بایستی از ۵ درصد کوچک‌تر باشد. نتایج آزمون مانایی در جدول شماره (۱) ارایه شده است. نتایج جدول شماره (۱) و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آن‌ها نشان می‌دهد که تمامی مقادیر در سطح، مانا شدند.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون مانایی

متغیر مستقل	لوین، لین و چو Levin, Lin & Chut	ایم، پسران و شین Im, Pesaran and shin W-stat	آماره دیکی فولر ADF-Fisher Chi-square	آماره پی‌پی فیشر PP - Fisher Chi-square
رشد مطالبات معوق	−۱۳/۹۳ (۰/۰۰۰)	۲۲/۹۷ (۰/۰۰۰)	۶۴۷/۱۱ (۰/۰۰۰)	۲۲۵۹/۱۸ (۰/۰۰۰)
رشد وام‌دهی	−۱۱/۴۹ (۰/۰۰۰)	−۱۶/۳۷ (۰/۰۰۰)	۵۲۸/۰۷ (۰/۰۰۰)	۱۷۱۷/۳۳ (۰/۰۰۰)
رشد نسبت سپرده	−۶/۵۹ (۰/۰۰۰)	−۲۲/۷۷ (۰/۰۰۰)	۶۹۸/۴۴ (۰/۰۰۱)	۲۲۸۹/۱ (۰/۰۰۰)
نسبت بازده دارایی	−۵/۵۹ (۰/۰۰۰)	−۳/۸۸ (۰/۰۰۰)	۲۲۲/۱۵۹ (۰/۰۰۰)	۱۱۰۴/۰۲ (۰/۰۰۰)
نرخ رشد سرمایه بانکی	−۱/۳۴۹ (۰/۰۰۰)	−۵/۰۸۸ (۰/۰۰۰)	۲۰۳/۲ (۰/۰۰۰)	۵۸۷/۴ (۰/۰۰۰)
اندازه بانکی	−۱/۸۰۸ (۰/۰۰۷)	−۶/۹۸ (۰/۰۰۰)	۸۰/۸۱ (۰/۰۰۲)	۲۱۴/۹۲ (۰/۰۰۱)
رشد تولید ناخالص داخلی	−۳/۸۰۸ (۰/۰۰۳)	−۴/۱۸ (۰/۰۰۰)	۱۲۰/۹۱ (۰/۰۰۱)	۸۰۹/۹۲ (۰/۰۰۰)

با تخمین مورد نظر، متغیرهای تأثیرگذار بر رشد مطالبات معوق شناسایی شده است. رشد مطالبات معوق با یک وقفه، متغیری است که برای نشان دادن پویایی‌های مدل مورد استفاده قرار گرفته است. حال آن‌که در این مدل به‌علت نشان دادن پایداری بیشترِ مطالبات معوق در ترازنامه بانکی که می‌تواند نشان از امهال آن‌ها باشد، از متغیر مطالبات معوق با وقفه دوم نیز استفاده شده است. در تخمین شماره یک مدل از متغیر وابسته با وقفه سوم نیز استفاده شده که معنی‌داری ضرایب مدل نشان‌دهنده آن است که این متغیر پس از سه دوره زمانی همچنان بر رشد مطالبات معوق تأثیرگذار است. علاوه بر رشد مطالبات معوق با وقفه اول، دوم و سوم در مدل، متغیر رشد وام‌دهی نیز بر مطالبات معوق و رشد آن‌ها در ترازنامه بانکی تأثیر دارد.

اغلب محققان آگاهند که بانک‌ها به‌دلیل الزام ذخیره‌گیری برای این نوع مطالبات که در واقع به‌معنای کاهش ارزش دارایی و در حکم هزینه برای بانک‌هاست، در برابر اعتراف به غیرجاری شدن مطالبات خود مقاومت می‌کنند. در واقع، بانک‌ها با روش‌هایی مانند امهال تسهیلات می‌کوشند تسهیلات مشکوک‌الوصول و سوخت شده را نیز مجدداً با رقمی بالاتر (اصل + سود + وجه التزام) به‌عنوان تسهیلات جدید تلقی کرده و در سرفصل مطالبات جاری ثبت کنند. بخشی از این نوع تسهیلات، به‌دلیل عدم امکان بازپرداخت، در واقع یک «دارایی موهومی» برای بانک است و از آنجا که فاقد وثایق کافی نیز هستند، امکان وصول آن وجود نخواهد داشت. با این مقدمه می‌توان گفت امهال مطالبات معوق و تبدیل آن به مطالبه جاری و ساخت دارایی‌های موهومی در طرف دارایی ترازنامه بانک‌ها یکی از علل مهم تداوم و پنهان ماندن ناترازی شبکه بانکی به‌حساب می‌آید. امهال بدهی تسهیلات‌گیرندگان مهم‌ترین دلیل ایجاد بدهکاران بانکی است. متأسفانه، در حال حاضر حتی مقام ناظر بانکی نیز اطلاع دقیقی از حجم تسهیلات امهالی بانک‌ها ندارد، اما اظهارنظرهای غیررسمی مقامات درخصوص حجم واقعی تسهیلات غیرجاری سیستم بانکی که با تکنیک‌های مختلف، جاری تلقی شده‌اند، تا حدود ۵۰ درصد از کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز می‌رسد. در واقع، به‌جای این‌که رویکرد بانک‌ها، اعمال سیاست‌های تنبیهی در برخورد با متخلفین باشد، بارها به آن‌ها فرصت می‌دهد و با استفاده از ابزارهای پیشنهادی بانک مرکزی، پس از تعیین نرخ سود برای دوره امهالی، سررسید بدهی را به تعویق می‌اندازد.

امهال در اصطلاح بانکی عبارت است از: «مهلت دادن به بدهکاران برای بازپرداخت بدهی در چهارچوب قوانین و مقررات موضوعه».[۱] در مقابل، به تقاضای مشتری از بانک مبنی بر تمدید مدت بدهی یا تمدید

[۱] ماده یک آیین‌نامه «نحوه وصول مطالبات معوقه بانکی» مصوب هیئت وزیران بنا به پیشنهاد مشترک بانک جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی

مدت قرارداد و تسهیلات اصطلاحاً «استمهال قرارداد» گفته می‌شود و در صورتی که بانک با این تقاضا موافقت کرده و به مشتری مهلت دهد، اصطلاحاً «امهال قرارداد» گفته می‌شود. موضوع امهال قراردادهای بانکی شامل تسهیلاتی می‌شود که سررسید آن گذشته و تسهیلات‌گیرنده، بدهی خود ناشی از قرارداد را در موعد مقرر تصفیه نکرده و تسهیلات، «معوق» شده یا به اصطلاح، وارد سرفصل «مطالبات غیرجاری» بانک شده است. البته، در مواردی که تسهیلات معوق نشده، اما تسهیلات‌گیرنده به هر دلیلی امکان یا تمایل تسویه قرارداد را در سررسید ندارد و از بانک تقاضا می‌کند که برای تصفیه بدهی ناشی از قرارداد، فرصت و مهلتی بیشتر از آنچه در قرارداد آمده، به وی داده شود می‌تواند در موضوع امهال نیز مورد بررسی قرار گیرد –اعم از این‌که این تقاضا پیش از سررسید قرارداد یا در سررسید یا پس از سررسید مطرح شود، بدون این‌که وارد سرفصل معوقات و غیرجاری شود.

راهکارهای امهال مطالبات غیرجاری یکی از مهم‌ترین شیوه‌هایی است که بانک‌ها برای کاهش حجم معوقات بانکی و خروج مطالبات خود از سرفصل مطالبات معوق (که نکته منفی در ارزیابی سلامت بانک‌ها به‌حساب می‌آید)، به‌کار می‌گیرند. راهکارهایی که در حوزه امهال مطالبات غیرجاری طی سال‌های متوالی توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مورد استفاده قرار می‌گرفته، به‌دلیل مشکلات و شبهات فقهی قابل نقد و بررسی است.

این پژوهش در نظر دارد ضمن معرفی روش‌های امهال مطالبات غیرجاری، فرایند امهال بدهی‌های معوق شده را از منظر شرعی مورد بررسی قرار دهد. در ادامه، روش‌های متداول درخصوص امهال مطالبات غیرجاری (به مشتریان دارای اعسار موقت) به‌صورت اجمالی توضیح داده خواهد شد.

پیشینه تحقیق

مطالعاتی که پیرامون موضوع امهال مطالبات غیرجاری صورت گرفته شامل چندین مقاله و پایان‌نامه (در سطح کارشناسی ارشد) است. در زیر به تعدادی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

موسویان (۱۳۹۲) در مقاله «خلأ قانونی مطالبه‌های غیرجاری در قانون عملیات بانکی بدون‌ربا»، فقدان جدی مطالبات غیرجاری در قانون بانکداری بدون‌ربا را مورد نقد جدی قرار می‌دهد و با آسیب‌شناسی وضع موجود، پیشنهادهای مشخصی را برای اضافه شدن فصل جدیدی به قانون عملیات بانکی بدون ربا ارایه می‌دهد.

موسویان و غلامی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون‌ربا»، راهکار جدیدی برای عملیاتی کردن امهال مطالبات غیرجاری در سیستم بانکی ارایه می‌کنند.

این راهکار بر مبنای بهره‌گیری از عقد مشارکت مدنی کاهنده است. این راهکار در مقایسه با سایر راهکارهای فعلی از نظر شاخص‌های فقهی، اقتصادی و بانکی برتری دارد و می‌تواند در کنار راهکارهای فعلی یا به‌عنوان جایگزین در بانک‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

عبادی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «راهکارهای فقهی و حقوقی امهال قراردادهای بانکی»، ضمن امکان‌سنجی قراردادها از منظر تمدید با زیاده با رعایت ضوابط شرعی، راهکارهای امهال شرعی تسهیلات به روش «تبدیل قراردادها» یا با استفاده از «قراردادهای ویژه تأمین نقدینگی» را مطرح و شیوه عملیاتی آن‌ها را تبیین کرده است.

بهاروندی و دیگران در مقاله «بررسی رابطه معضل مطالبات غیرجاری و عملیات بانکداری بدون‌ربا در ایران» مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری مطالبات معوق را عدم‌اعتبارسنجی دقیق مشتریان، عدم‌تشخیص صحیح ذی‌نفع واحد درخصوص تسهیلات‌گیرندگان کلان، مصرف تسهیلات در غیر از موضوع قرارداد و غیره معرفی کرده‌اند.

موسویان و ملاکریمی (۱۳۹۶) در مقاله «راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون‌ربا»، با استفاده از ظرفیت عقود بانکداری اسلامی و با در نظر گرفتن دو معیار «عوامل تأخیر» و «تفکیک بین انواع مشتریان»، راهکارهایی را به‌شبکه بانکی ارایه کرده‌اند. این روش‌ها کمک می‌کند تا بدهی‌های غیرجاری افرادی که به‌دلایل قابل قبولی، از پرداخت به‌موقع بدهی‌های خویش ناتوان بوده‌اند، امهال شود. قراردادهای فروش اقساطی (مرابحه)، مشارکت مدنی، مضاربه، اجاره به‌شرط تملیک، جعاله، سلف و خرید دِین، به‌ترتیب بیشترین کاربردها را در اعطای تسهیلات دارند. و برای امهال از طریق تمدید، تجدید یا تبدیل قرارداد به‌رعایت ضوابط و مقررات خاصی نیاز دارند.

صمصامی و کریمی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی امکان تحقق مطالبات معوق در بانکداری بدون‌ربا» که بحث دِین در عقود مشارکتی مطرح نیست، ساختار بانک بستر لازم برای اجرای قرارداد فروش اقساطی را ندارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دلایل اصل مطالبات معوق، عدم اجرای صحیح و دقیق قراردادهای بانکی از منظر موازین شرعی است.

مرادی (۱۳۹۸) در مقاله «چالش‌های حقوقی وصول مطالبات مؤسسه اعتباری»، نقش اعتبارسنجی دقیق و دریافت تسهیلات را در فرایند اعطای تسهیلات بسیار مهم می‌داند. اجرای اصلاحات ماده ۳۴ قانون ثبت با نظر به اصلاحات مدنظر ماده ۱۹ قانونِ رفع موانع تولید نیز در بهبود وصول مطالبات مؤثر است. تشکیل دادگاه‌های تخصصی و اصلاح قانون ورشکستگی نیز گام دیگری در زمینه وصول مطالبات بانک‌هاست.

شیرعالی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «بررسی ابعاد حقوقی امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکی ایران» می‌گویند: مطالبات غیرجاری با چالش‌هایی همچون عدم توجه به ظرفیت‌های حقوقی عقود جایگزین، عدم‌تخصص‌گرایی مراجع قضایی و تشتت احکام قضایی مواجه است. در این خصوص، تشکیل دادگاه‌های تخصصی با موضوع مطالبات غیرجاری گام مهمی محسوب می‌شود.

باقری و صحرانورد (۱۴۰۰) در مقاله «راهکارهای امهال تسهیلات معوق بانکی»، اشکالاتی همچون صوری بودن، عدم تعیین تکلیف در مورد تلف واقعی یا حکمی در عقود مبادله‌ای و نبود سازوکار مشخص در به‌کارگیری روش‌های امهال را جزء اشکالات موجود در دستورالعمل مصوب بانک مرکزی معرفی کرده‌اند.

شایان ذکر است، پژوهش‌های بالا به جهت محدودیت‌های موجود، تنها به بخشی از مباحث پرداخته و به معرفی چند ابزار بسنده کرده‌اند. در حالی که این رساله به‌دنبال مبانی فقهی امهال و آسیب‌شناسی دقیق روش‌های موجود و در نهایت، ارایه راهکار است.

علاوه بر تحقیقات علمی، بانک مرکزی نیز به‌تازگی دستورالعمل جدیدی در زمینه امهال مطالبات غیرجاری جهت ابلاغ به شبکه بانکی تدوین کرده است. این دستورالعمل گرچه توانسته از تحقیقات سابق استفاده کند و سیستم نسبتاً جامعی ارایه کند، اما از جهت تبیین مباحث فقهی و حقوقی به‌صورت مبنایی، نیازمند یک کار پژوهشی و علمی جامع است.

شیوه‌های امهال مطالبات غیرجاری

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در راستای شفاف‌سازی و سازماندهی فرایندهای امهال مطالبات غیرجاری و معرفی روش‌های کارآمد، قانونی و در عین حال مشروع، دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری را در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۶ تدوین کرد. در این دستورالعمل به تبیین موضوعاتی همچون تعریف امهال و تعیین مبنای امهال مطالبات، انواع روش‌های امهال مطالبات غیرجاری شامل تقسیط مجدد، تمدید قرارداد، تجدید قرارداد و تبدیل قرارداد، تدوین شیوه‌های امهال مطالبات به تفکیک عقود مشارکتی و غیرمشارکتی، تعیین حداکثر زمان امهال مطالبات، درج احکام مرتبط با شرایط مشتریان، تشریح سازوکارهای طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری مطالبات امهالی و موارد دیگری همچون ممنوعیت دریافت سود یا وجه التزام از محل وجه التزام تأخیر تأدیه دِین پرداخته شده است. این دستورالعمل از ابتدای سال ۱۳۹۹ لازم‌الاجرا شد و اصلاحیه آن مجدداً در مهرماه همان سال با تغییرات مختصری به شبکه بانکی ابلاغ شد.

- **قرض‌الحسنه**

مطابق ماده ۵ دستورالعمل امهال مطالبات غیرجاری، امهال مطالبات ناشی از اعطای قرض‌الحسنه در چهارچوب سیاست‌های ابلاغی بانک مرکزی امکان‌پذیر است. البته، با نظرداشت به وضعیت فعلی شبکه بانکی کشور و محدودیت منابع قرض‌الحسنه، امهال مطالبات ناشی از اعطای قرض‌الحسنه تا اطلاع ثانوی ممنوع است.

- **عقود مشارکتی**

امهال قراردادهایی که بر مبنای عقود مشارکتی منعقد شده‌اند، دو روش تمدید و تبدیل قرارداد، گره‌گشاست. ادامه قرارداد فعلی به دو صورت تقسیط مجدد یا تمدید قرارداد انجام می‌شود. هنگامی می‌توان عقد مشارکت را تمدید کرد و برای مدت اضافه شده سود دوره امهالی در نظر گرفت که نخست، موضوع مشارکت استمرار داشته باشد و دوم، بررسی‌های کارشناسی نشان دهد ارزش افزوده موضوع مشارکت در دوره امهالی افزایش یافته است. طوری که سود محقق شده، سود دوره تمدید (امهال) را نیز پوشش می‌دهد.

۱- قرارداد مضاربه

در تسهیلات مضاربه می‌توان به‌منظور امهال قرارداد از روش «تمدید» استفاده کرد. بانک بدون این‌که اصل سرمایه و مبلغ تسهیلات را دریافت کند، صرفاً به دریافت سهم خود از سودهای محقق شده دوره فعلی بسنده می‌کند. سپس، مدت قرارداد فعلی با همان مفاد و شرایط قبلی یا با تغییر اندکی در آن، برای یک دوره تجاری دیگر (مثلاً، ۶ ماه) تمدید می‌شود.

ماده ۱۸ نیز مقرر می‌کند که امهال تسهیلات اعطایی در قالب عقد مضاربه با استفاده از تبدیل قرارداد از طریق عقود تسهیلاتی فروش اقساطی، مرابحه، اجاره به‌شرط تملیک، سلف و خرید دِین مجاز است. طبق تبصره این ماده، امهال تسهیلات اعطایی در قالب عقد مضاربه از طریق تسهیلات فروش اقساطی و مرابحه (کالایی) در صورتی مجاز است که عین مالا/کالای موضوع قرارداد موجود بوده و حصول انتفاع از اموال و کالا در آینده ممکن باشد.

امهال تسهیلات در قالب روش تبدیل به این صورت رخ می‌دهد که با توافق عامل، بانک، سهم خود از اموال باقیمانده (و به‌فروش نرفته) را به‌صورت نسیه –خواه اقساطی، خواه سررسیدی یا به هر دو صورت نقد و نسیه– به عامل می‌فروشد و قرارداد را تسویه می‌کند. این روش در حقیقت شباهتی به مهلت دادن و امهال ندارد، اما نتیجه شرعی مهلت همراه با زیاده را در پی خواهد داشت.

۲- مشارکت مدنی

روش‌های امهال تسهیلات مشارکت مدنی بر مبنای ماده ۱۵ دستورالعمل از طریق تمدید و تبدیل قرارداد امکان‌پذیر است. ماده ۱۶ مقرر می‌کند در تمدید قرارداد مشارکت مدنی، مؤسسه اعتباری و مشتری می‌توانند در رابطه با مفاد قرارداد مانند میزان سهم‌الشرکه پرداختی، نسبت تقسیم سود و وثایق دریافتی به توافقات جدیدی برسند. براساس ماده ۱۷ نیز در مشارکت مدنی، تبدیل قرارداد از طریق عقود تسهیلاتی فروش اقساطی، مرابحه، اجاره به‌شرط تملیک، سلف و خرید دِین مجاز است.

در دو صورت ممکن است مشتری در پایان مدت قرارداد تقاضای امهال قرارداد کند:

الف- موضوع عقد مشارکت: برای نمونه، دوچرخه تولید شده، اما به‌علت شرایط غیرطبیعی بازار که خارج از اراده و کنترل عامل است، کالای تولیدی به قیمت مطلوب به فروش نمی‌رود یا با فروش کالا، سود مورد انتظار به‌دست نمی‌آید یا احتمالاً هیچ سودی محقق نمی‌شود، بلکه شاید در نهایت به ضرر منجر شود

در این فرض، اگر شرایط به‌وجود آمده ناشی از تخلف شریک از مفاد و شرایط قرارداد باشد مانند این‌که وی کیفیت و استاندارد یا مجوزهای قانونی و عرف رقابتی بازار را رعایت نکرده باشد، بانک حق دارد بر مبنای ماده عدم حسن انجام تعهد، قرارداد را فسخ کند و از شریک وجه التزام تخلف دریافت کند. البته، در فرض تقصیر یا عدم‌تقصیر شریک می‌توان روش‌های زیر را به‌کار گرفت.

- **روش تبدیل:** در این روش، بانک با کسب موافقت شریک، سهم خود از کالاهای تولیدی را به‌صورت فروش نسیه سررسیدی یا اقساطی به قیمت توافقی (که می‌تواند همان قیمت مورد نظر بانک باشد) به شریک واگذار کند. البته، در صورتی که کالای تولیدی از نوع کالاهای بادوام باشد، برای واگذاری مال موضوع قرارداد به شریک می‌توان از عقود اجاره به‌شرط تملیک یا فروش کاهنده استفاده کرد.
- **روش تمدید:** در صورتی که شرایط تمدید مدت قرارداد فراهم باشد، مدت قرارداد با شرط تغییر نسبت تقسیم سود انجام می‌گیرد.

ب- به‌خاطر علل مختلفی، تولید نیمه‌تمام است: اگر تأخیر و نیمه تمام بودن موضوع قرارداد مشارکت به‌دلیل تخلف شریک و عدم حسن ایفای تعهد وی باشد (مثلاً، به‌خاطر عدم رعایت الزامات قانونی توسط او، کار از سوی نهادهای قانونی متوقف شده باشد)، بانک در صورت وجود شرط تخلف می‌تواند قرارداد را فسخ کند و از شریک جریمه دیرکرد دریافت کند. یا یکی از روش‌های زیر را انتخاب کند.

- **روش تبدیل:** اگر قسمت قابل توجهی از موضوع قرارداد تولید شده باشد، در این صورت، با توافق شریک، بانک سهم خود از کالاهای تولیدی را از طریق فروش نسیه سررسیدی یا اقساطی به قیمت توافقی (که می‌تواند همان قیمت مورد نظر بانک باشد)، به شریک واگذار کند. البته، در صورتی که کالای تولیدی از نوع کالاهای بادوام باشد، برای واگذاری مال موضوع قرارداد به شریک می‌توان از عقود اجاره به‌شرط تملیک یا فروش کاهنده استفاده کرد.
- **روش تمدید:** در صورتی که شرایط تمدید مدت قرارداد فراهم باشد، مدت قرارداد با شرط تغییر نسبت تقسیم سود انجام می‌گیرد.

- **عقود غیرمشارکتی**

اما امهال عقود غیرمشارکتی نسبت به عقود مشارکتی تفصیلی‌تر و پیچیده‌تر است. در قراردادهایی که بر عقود غیرمشارکتی پایه‌گذاری شده‌اند می‌توان برای امهال مطالبات از طریق تقسیط مجدد، تجدید و تبدیل قرارداد اقدام کرد.

مطابق ماده ۲۰ دستورالعمل مزبور، امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقود فروش اقساطی، اجاره به‌شرط تملیک، مرابحه (کالایی) و استصناع با استفاده از تجدید قرارداد در صورتی مجاز است که عین مال/کالای موضوع قرارداد موجود بوده و حصول انتفاع از اموال و کالا در آینده ممکن باشد.

مطابق ماده ۲۱، امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقود جعاله و مرابحه (خدماتی) با استفاده از تجدید قرارداد در صورتی مجاز است که انجام دادن خدمت موضوع قرارداد به اتمام نرسیده و به تشخیص مؤسسه اعتباری بخش قابل‌توجهی از آن باقی مانده باشد.

مطابق ماده ۲۳، امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقد فروش اقساطی از طریق تبدیل قرارداد به عقود مشارکت مدنی کاهنده، اجاره به‌شرط تملیک، سلف و خرید دِین مجاز است.

مطابق ماده ۲۵، امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقد مرابحه (کالایی) از طریق تبدیل قرارداد به عقود مشارکت مدنی کاهنده، اجاره به‌شرط تملیک، سلف و خرید دِین مجاز است.

در روش تجدید، اگر کالای فروخته شده موجود بوده و قابلیت بهره‌برداری داشته باشد، می‌توان معامله فعلی را فسخ کرد –یا از سوی طرفین اقاله شود– و کالا در معامله جدید با نرخ و مدت جدیدتر، به مشتری فروخته شود و سود فروش جدید، طوری لحاظ می‌شود که زیاده مورد نظر را برای مدت امهال پوشش دهد. این راهکار در تسهیلاتی مناسب است که موضوع بیع از بین نرفته یا مستهلک نشده باشد و در ملکیت مشتری باقی باشد. در غیر این صورت، این روش، عملیاتی نیست.

در روش تبدیل، موضوع معامله تغییر نمی‌کند، ولی قرارداد اولیه به قراردادی تبدیل می‌شود که با ماهیت قرارداد اول متفاوت است. برای امهال تسهیلات فروش اقساطی در صورتی که کالای فروخته شده موجود بوده (در ملکیت تسهیلات‌گیرنده باشد) و از نوع مال بادوام باشد (طوری که قابل اجاره دادن باشد) بانک، مال مذکور را از وی نقداً خریداری کرده و ضمن قرارداد اجاره به‌شرط تملیک، دوباره به تسهیلات‌گیرنده واگذار می‌کند.

با توجه به این‌که خرید نقدی مذکور در ضمنِ فروش اول (هنگام اعطای تسهیلات فروش اقساطی) شرط نشده است، بنابراین مشکل «بیع‌العینه» که برای فرار از ربا باشد، مطرح نخواهد شد. در مجموع می‌توان با رعایت شرایط خاص، از روش تجدید و تبدیل برای امهال فروش اقساطی استفاده کرد.

مطابق ماده ۲۲، امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقد سلف با استفاده از تجدید قرارداد در صورتی مجاز است که موضوع قرارداد سلف به‌لحاظ خصوصیات و ویژگی‌ها به‌گونه‌ای باشد که امکان جایگزینی آن با کالاهای دیگر از همان نوع وجود داشته باشد. در عقد سلف نیز بانک می‌تواند با انجام دادن قرارداد سلف، بخشی از محصول بنگاه را پیش خرید کرده و از این محل بدهی معوقه بنگاه را تصفیه کند. محدودیت این ابزار، عدم قابلیت استفاده در بخش‌های خدمات و بازرگانی است. همچنین، در بخش تولید نیز بانک‌ها فقط می‌توانند محصولاتی را خریداری کنند که سهل‌البیع باشد، سریع‌الفساد نباشد و توسط خود فروشنده تولید شود. بتابراین، استفاده از این ابزار در بخش تولید نیز با محدویت‌های جدی مواجه است.

در شیوه تجدید تسهیلات امهالی، بانک، طلبی را که از مشتری دارد (مثلاً، تعداد ۱۰ دستگاه ماشین سمند) به‌صورت نقد و به‌صورت کلی در ذمه، به‌خود مشتری می‌فروشد و از این بابت، مشتری بدهکار بانک می‌شود. سپس، ضمن تسهیلات سلف دیگری، مقدار معینی از تولیدات آینده وی را پیش‌خرید می‌کند و مبلغ سلف جدید را بابت بدهی مشتری برای خرید نقدی کالای بانک قرار داده و تسهیلات قبلی را از این طریق تسویه می‌کند. مقدار و قیمت کالاهای قرارداد سلف جدید باید طوری باشد که تکافوی بدهی وی بابت تسهیلات قبلی را بکند. به این ترتیب، آنچه مشتری مهلت می‌خواست به‌صورت شرعی به‌دست آمده است. و از طرفی، با توجه به این‌که طرفین واقعاً قصد بیع و معامله داشته‌اند، اشکال حیله برای فرار از ربا وارد نیست. نتیجه این‌که، اگر مشتری بتواند در مدت امهالی کالا را تهیه کند، می‌توان از این روش استفاده کرد. روش تبدیل قرارداد نیز در مورد امهال قرارداد سلف کارایی دارد. مطابق ماده ۲۹، امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقد سلف از طریق تبدیل قرارداد به عقود مشارکت مدنی کاهنده، سلف دیگر، اجاره به‌شرط تملیک، و خرید دِین مجاز است.

امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقد خرید دِین بر مبنای ماده ۲۶ دستورالعمل از طریق تبدیل قرارداد به عقود مشارکت مدنی کاهنده، اجاره به‌شرط تملیک، سلف و خرید دِین دیگر، مجاز است. در روش تمدید، زمانی که بانک نتواند وجوه مربوط به اسناد تجاری تنزیلی را از صادرکننده آن وصول کند، به تسهیلات‌گیرنده رجوع می‌کند. در صورتی که تسهیلات‌گیرنده به هر دلیلی برای پرداخت بدهی مذکور تقاضای مهلت کند، بانک نمی‌تواند برای مدتی که قرارداد را تمدید می‌کند، مبلغی اضافه‌تر از مبلغ دِین دریافت کند، زیرا ربای جاهلی پدید می‌آید.

براساس ماده ۲۴، امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقد اجاره به‌شرط تملیک از طریق تبدیل قرارداد به عقود مشارکت مدنی کاهنده، فروش اقساطی، اجاره به‌شرط تملیک دیگر، سلف و خرید دِین مجاز است. در روش تجدید با توجه به این‌که موضوع قرارداد –یعنی عین مستأجره– موجود است، در صورت نیاز به امهال، می‌توان از روش تجدید قرارداد استفاده کرد. به این صورت که قرارداد اجاره فعلی را فسخ کنند. سپس بانک، عین مستأجره را در یک قرارداد اجاره به‌شرط تملیک جدید و با مال‌الاجاره جدید (که شامل مجموع بدهی قبلی مشتری به‌علاوه سود آن با لحاظ مدت زمان اجاره جدید است) و با مدت زمان توافقی در اختیار مستأجر قرار می‌دهد. در این روش، بانک می‌تواند ابتدا بخشی از بدهی مستأجر ناشی از قرارداد قبلی را (به هر میزان که وی توانایی مالی داشته باشد) وصول کند و مابقی بدهی به‌همراه بدهی ناشی از قرارداد جدید را در قالب اجاره به‌شرط تملیک جدید، به‌حساب مستأجر لحاظ کند.

در شیوه تبدیل، بانک می‌تواند قرارداد فعلی را فسخ کند و عین مستأجره را (که متعلق به بانک است) به‌صورت فروش اقساطی یا سررسیدی به مشتری بفروشد، طوری که قیمت معامله متضمن باقیمانده بدهی تسهیلات‌گیرنده به بانک باشد –ناشی از قرارداد به اضافه زیاده‌ای که بانک می‌خواست برای دوره امهالی از وی دریافت کند. در مجموع، امهال با زیاده در تسهیلات اجاره به‌شرط تملیک با استفاده از روش تبدیل و تجدید قرارداد امکان‌پذیر است. اما در نهایت، ماده ۲۱ مقرر می‌کند امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقود جعاله و مرابحه (خدماتی) با استفاده از تجدید قرارداد در صورتی مجاز است که انجام دادن خدمت موضوع قرارداد به‌اتمام نرسیده و به تشخیص مؤسسه اعتباری بخش قابل توجهی از آن باقی مانده باشد.

در شیوه تجدید، در صورتی که در زمان امهال قرارداد، هنوز کل خدمت درخواستی یا بخش معتنابه آن انجام نشده است، امکان امهال قرارداد با زیاده به‌صورت تجدید قرارداد وجود دارد. به این صورت که ابتدا قرارداد جعاله فعلی فسخ شده و سپس، قرارداد جدید همراه با اجرت جدید (شامل مجموع بدهی

قبلی مشتری به‌علاوه سود قرارداد جدید) و با مدت زمان توافقی منعقد شود. همچنین، در مواردی که مشتری اصلاً تسهیلات را مصرف نکرده و خدمت درخواستی انجام نگرفته، ولی در عین حال حاضر به دریافت خدمات باشد، می‌تواند قرارداد قبلی را فسخ کرده و قرارداد جدید را با اجرت جدید –که مبلغ آن متضمن بدهی جعاله قبلی (شامل وجه التزام تخلف از مفاد قرارداد مبنی بر این‌که مشتری مرتکب شده است) نیز باشد– منعقد کرده و به این ترتیب، قرارداد امهال شود.

آسیب‌شناسی روش‌های امهال مطالبات غیرجاری از منظر شرعی

مهم‌ترین اِشکال شرعی روش‌های امهال مطالبات غیرجاری، اجرای صوری قراردادهای امهالی است به‌نحوی‌که هیچ‌گونه قصد جدی برای اجرای واقعی این عقود وجود ندارد و طراحان این ابزارها کوشیده‌اند با استفاده از معاملات دیگر، راه فراری از شبهه ربای جاهلی بیابند. ربای جاهلی عبارت است از: افزایش بدهی در مقابل تمدید مهلت که در همه عقود جاری و ساری است و بین فقها بر حرمت آن اتفاق‌نظر وجود دارد. (سیفی مازندرانی: ۱۴۱۷ ق.، ص. ۳۴۲) در ادامه به‌صورت تفصیلی به این شبهه می‌پردازیم.

آسیب‌شناسی روش‌های امهال از منظر ربای جاهلی

آنچه در طراحی روش‌های امهال مطالبات غیرجاری مهم است، ارتباط آن با بخش واقعی اقتصاد است و هرگونه ایجاد حق برای بانک، زیاده از حقوق منبعث از تسهیلات، باید از بخش واقعی اقتصاد و یک فعالیت واقعی نشأت گیرد. در غیر این صورت با دو شبهه جدی «ربای جاهلی» و «اکل مال به‌باطل» مواجه خواهد شد. شبهه اکل مال به‌باطل، به‌خاطر صوری بودن این روش‌ها مطرح می‌شود و شبهه ربای جاهلی نیز از این به بعد محقق می‌شود که گویی هدف از روش‌های امهالی، افزایش بدهی در مقابل تمدید مدت و به‌معنای «تعطی أو تربی» است که در زمان جاهلیت به‌عنوان مصداق بارز ربا، مورد تحریم شدید واقع شده است.

توضیح این‌که به‌طور مثال، در قرارداد مضاربه، عامل به موضوع قرارداد عمل کرده و سود مورد انتظار محقق شده است، اما عامل به‌جای این‌که سهم بانک را پرداخته و تسویه کرده باشد، آن را در جای دیگری نظیر دادن بدهی و ... مصرف کرده یا به هر دلیلی، توانایی تسویه قرارداد را ندارد. در این صورت، عامل تخلف کرده و به‌میزان سرمایه (اصل مبلغ تسهیلات) به‌اضافه سهم بانک از سود محقق شده، بدهکار بانک است. همچنین، در صورتی که از زمان تسویه قرارداد گذشته باشد، طبعاً مطابق مفاد و شرایط قرارداد، مبلغی (که مطابق قوانین بانک مرکزی میزان آن معادل نرخ سود

تسهیلات به‌اضافه ۶ درصد نسبت به اصل مبلغ تسهیلات و سود تحقق یافته است) به‌عنوان جریمه تأخیر برعهده عامل قرار می‌گیرد که آن را هم به بانک بدهکار است.

حال، اگر عامل تقاضا کند که بدهی مذکور را در مهلت بیشتری بپردازد و بانک با این تقاضا موافقت کند –که معمولاً بانک بخشی از بدهی مثلاً به‌میزان سود محقق شده مربوط به دوره گذشته را دریافت می‌کند و صرفاً به‌میزان پرداخت اصل مبلغ تسهیلات مهلت داده می‌شود– بانک نمی‌تواند در مقابل مهلت مذکور، زیاده‌ای بیشتر از بدهی باقیمانده دریافت کند، زیرا مصداق ربای جاهلی بوده و حرام خواهد بود.

حال، اگر عامل، کالای موضوع قرارداد را خریداری کرده، اما در مرحله فروش، نتوانسته تمام یا بخشی از کالاها را به‌فروش برساند، بنابراین تمام یا بخشی از سود مورد انتظار، محقق نشده و کالاها در دست عامل مانده است. اگر عامل در پدید آمدن این وضعیت نامطلوب، مقصر باشد و به‌عبارتی، این وضعیت ناشی از افراط یا تفریط وی باشد، بانک می‌تواند براساس ماده وجه التزام تخلف از مفاد و شرایط قرارداد (در صورتی که چنین ماده‌ای در متن قرارداد در نظر گرفته شده باشد)، مضاربه را فسخ کرده و علاوه بر دریافت اصل مبلغ تسهیلات، براساس ماده تخلف، مبلغی معادل نرخ سود تسهیلات به‌اضافه نرخ معین شده را به‌عنوان وجه التزام تخلف از قرارداد از وی دریافت کند. البته، اخذ وجه‌التزام تخلف از قرارداد در صورتی است که در متن قرارداد چنین جریمه‌ای در نظر گرفته شده باشد.

اما در صورتی که بانک نخواهد قرارداد را فسخ کند، فقط می‌تواند سهم خود را از سود محقق شده –به هر میزان که باشد– دریافت کند و دریافت بیش از آن حرام و باطل است. در این وضعیت، اگر عامل از بانک تقاضای مهلت کند و بانک به مهلت دادن تمایل داشته باشد، بدین‌معناست که عامل بتواند در مهلت داده شده، کالای موضوع قرارداد را به‌فروش رسانده و قرارداد را تسویه کند. در این صورت، بانک می‌تواند مهلت را مشروط به این کند که سود حاصل از قرارداد با نسبت جدید تقسیم شود، به‌طوری که سهم بانک افزایش یابد. البته، در این صورت هم باز به فروش رفتن کالا در مهلت مقرر بستگی دارد –با میزان سودی که سود موردنظر بانک و عامل و نیز سود دوره امهال را پوشش دهد. و این ریسک وجود دارد که وضعیت بدتر هم بشود که باز هم بانک غیر از سهم سود خود از سودهای حاصله، چیز زیادتری نمی‌تواند دریافت کند.

در روش تبدیل، در صورتی که عامل از بانک برای پرداخت بدهی ناشی از قرارداد (که با فرض مقصر بودن عامل، بدهی وی شامل اصل مبلغ تسهیلات به‌اضافه وجه التزام تخلف از مفاد قرارداد و با فرض مقصر نبودن عامل، شامل اصل مبلغ تسهیلات است) تقاضای مهلت کند و بانک با آن موافقت کند، بانک نمی‌تواند برای مهلت داده شده، زیاده‌ای دریافت کند، زیرا ربای جاهلی بوده و حرام است.

در مجموع، در همه روش‌های امهال قرارداد مضاربه، اگر بانک بخواهد برای دریافت طلب شرعی خود (متناسب با وضعیت‌های پیش‌گفته) به مشتری مهلت دهد و برای مدت امهال، زیاده‌ای دریافت کند، ربای جاهلی بوده و حرام است. در روش تمدید فروش اقساطی نیز در صورتی که مشتری از پرداخت بدهی خود بابت خرید نسیه کالا در موعد مقرر اجتناب کرده و از بانک تقاضای مهلت کند، بانک نمی‌تواند برای مدت امهال، زیاده‌ای از مشتری اخذ کند، زیرا مصداق ربای جاهلی می‌شود. یا بانک ممکن است از شیوه تمدید مدت قرارداد فروش اقساطی استفاده کند. این روش از نظر مفهومی تفاوتی با مهلت دادن ندارد. بنابراین، زیاده‌ای که بابت تمدید مدت قرارداد دریافت می‌شود، ربای جاهلی و حرام می‌شود. برای نمونه، در صورتی که مشتری تقاضای کاهش مبلغ اقساط را داشته باشد و مفهومش این است که زمان سررسید و اتمام قرارداد طولانی‌تر شود، اگر بانک برای این مدتِ اضافه شده، زیاده‌ای دریافت کند، مشمول ربای جاهلی می‌شود.

در قرارداد جعاله، در صورتی که مشتری اقساط بدهی را در موعد یا مواعد مقرر پرداخت نکرده و تسهیلات معوق شود، در این صورت، مهلت دادن به مشتری برای پرداخت بدهی‌اش در صورتی که به‌همراه زیاده برای مدت مهلت داده شده باشد، مصداق ربای قرضی شده و حرام خواهد بود. روش تمدید برای امهال با زیاده تسهیلات جعاله کارایی ندارد، زیرا اگر مفهومش این باشد که بانک مدت پرداخت بدهی را افزایش دهد و متناسب با آن اجرت (جعل) را نیز افزایش دهد، این دقیقاً امهال با زیاده بدهی بوده و زیاده مذکور ربا و حرام خواهد بود و اگر مفهوم تمدید این باشد که بانک مدت انجام دادن موضوع قرارداد را افزایش دهد، علاوه بر این‌که ثمری نخواهد داشت، وضعیت بدتر هم می‌شود، زیرا در مقوله تمدید فرض بر این است قرارداد تجدید نمی‌شود. بنابراین، مبلغ اجرت نباید تغییر یابد و این مفهومش این است که اجرتی که برای مدت معینی دریافت می‌شد در این فرض، همان مبلغ در مدت بیشتری دریافت می‌شود و زیاده‌ای اخذ نخواهد شد.

در قرارداد اجاره در صورتی که تسهیلات‌گیرنده (مستأجر) به هر دلیلی نتواند بدهی خود (اقساط اجاره‌بها) را در موعد یا مواعد مقرر به بانک بپردازد، مطابق مفاد قرارداد، مشمول وجه التزام تأخیر می‌شود. علاوه بر این، در صورتی که این تأخیرها از یک مدت زمان مشخصی (معمولاً ۶ ماه) بیشتر شود، تسهیلات معوق می‌شود و مطابق مفاد قرارداد، بانک می‌تواند قرارداد را فسخ کرده و از تملیک مال به مشتری خودداری کند. اما معمولاً بانک تمایلی به فسخ قرارداد نداشته و علاقه دارد که در صورت توانایی مشتری به پرداخت بدهی، به وی مهلت دهد. اما این امهال در صورتی که همراه با زیاده باشد، حرام و زیاده مذکور ربا است.

برای امهال تسهیلات اجاره به‌شرط تملیک به‌صورت تمدید، مثلاً تسهیلات‌گیرنده ملکی را به‌صورت اجاره به‌شرط تملیک با اقساط ۱۲۰ ماهه از بانک دریافت کرده و با پرداخت ۱۲۰ قسط اجاره‌بها، عین مستأجره را مالک خواهد شد. حال پس از پرداخت مرتب ۲۰ قسط، بنا به مشکلاتی، تعداد ۱۰ قسط از اقساط تسهیلات (اجاره‌بها) را پرداخت نکرده و معوق شده است. اکنون، با وجود این‌که مشکل مذکور مرتفع شده و آمادگی دارد که اقساط را به‌طور مرتب پرداخت کند، اما به‌صورت یکجا نمی‌تواند ۱۰ قسط معوقه مذکور را بپردازد. با فرض این‌که بانک بنا ندارد مدت قرارداد به بیش ۱۲۰ ماه افزایش یابد، در صورتی که برای پرداخت آن ۱۰ قسط مهلت دهد و به‌اصطلاح مدت پرداخت آن ۱۰ قسط را تمدید کند، نمی‌تواند برای مدت تمدیدی، زیاده‌ای را دریافت کند، زیرا ربای جاهلی و حرام است.

برای امهال تسهیلات سلف اگر از شیوه تمدید استفاده شود، بانک مال یا اموال معینی را از تسهیلات‌گیرنده، پیش‌خرید می‌کند و مالک آن اموال می‌شود و مقرر می‌شود که فروشنده (تسهیلات‌گیرنده)، مال یا اموال پیش‌فروخته را در سررسید/سررسیدهای مشخص به بانک تحویل داده و قرارداد را تسویه کند. بنابراین، ذمه فروشنده به مقدار کالایی که فروخته است به‌نفع خریدار (بانک) مشغول می‌شود و به‌عبارتی، فروشنده به‌تعداد کالایی که فروخته به خریدار (بانک) بدهکار است.

زمانی که فروشنده به‌دلایلی مانند وضعیت اقتصادی تحریمی، نبود یا کمبود مواد اولیه یا سوءمدیریت و ... نتواند مال موضوع قرارداد را تولید کند و تحویل بانک دهد و برای تولید و تهیه آن به‌مهلت نیاز داشته باشد، از بانک استمهال می‌کند. در صورتی که بانک با امهال قرارداد موافق باشد، معنایش این است که برای تحویل کالاها به فروشنده مهلت داده، اما نمی‌تواند امهال را مشروط به زیاده کند، زیرا «ربای جاهلی» اتفاق می‌افتد. برای مثال، اگر بگوید به‌شرطی مهلت می‌دهم که به‌جای ۱۰ ماشینی که قرار است تحویل بدهی، باید ۱۱ ماشین تحویل بدهی یا فلان مقدار پول باید اضافه‌تر بپردازی، آن ماشین یا پول اضافی، ربا محسوب می‌شود. بنابراین، فرقی نمی‌کند که زیاده شرط شده از جنس موضوع بیع سلف باشد یا پول یا هر نوع زیاده‌ی دیگر. در هر حال، این‌گونه امهال قرارداد سلف، مصداق ربای جاهلی بوده و حرام است.

آسیب‌شناسی روش‌های امهال از منظر قصد جدی

مطابق ضوابط فقهی، قصد جدی از باب قاعده فقهی «العقود تابعه للقصود»، معیار تشخیص اجرای واقعی معاملات از اجرای صوری آن است. در واقع، مهم‌ترین قاعده فقهی در زمینه احراز سلامت شرعی معاملات بانکی، قاعده قصد است که در مفهوم خود دلالت دارد بر این‌که عقد از لحاظ ترتیب آثار و

احکام و نیز تشخیص نوع و ماهیت توافق، مبتنی بر احراز قصد طرفین قرارداد است. براساس این قاعده، ضروری است که با معنا و مفهوم هر یک از قراردادهای بانکی آشنایی اجمالی داشت. اگر معنا و حقیقتی که مضمون و محتوای قراردادها را تشکیل می‌دهد، برای طرفین معامله مبهم باشد، رکن اصلی قرارداد که همان قصد است، منتفی خواهد بود.

افزون بر این، برخورداری متعاملین از قصد جدی یکی از مهم‌ترین معیارهای تشخیص حیل مجاز ربا از حیل غیرمجاز آن به‌شمار می‌آید. برخی از فقهای شیعه همچون مرحوم محقق بهبهانی، مقدس اردبیلی و سیدمرتضی و بسیاری از علمای اهل سنت معتقدند چون در انجام دادن حیل ربا، دو طرف معامله، قصد جدی ندارند و مقصود اصلی آن‌ها گرفتن رباست، معامله صحیح واقع نمی‌شود. ایشان معتقدند استفاده از معاملات صوری برای فرار از ربا حاکی از عدم قصد جدی متعاملین است. در حالی که یکی از شروط اصلی صحت معاملات، وجود قصد جدی است. (جمعی از نویسندگان: ۱۳۸۱، ص. ۳۳۶)

بی‌تردید، قصد در زمره شرایط عمومی تمام تکالیف شرعی قرار می‌گیرد. در حالی که در مسئله حیله‌ها، قصدِ واقعی وجود ندارد. برای نمونه، کسی که برای تخلص از ربا، مقدار زیادی را هبه می‌کند، قصد جدی بر این هبه ندارد و هبه، بهانه است. بنابراین، معاملاتی که در قالب بیع و هبه و مصالحه و ضمّ ضمیمه و مانند آن صورت می‌گیرد، صحیح نیست، چون قصد جدی در آن وجود ندارد. (مکارم شیرازی: ۱۳۸۵، ص. ۴۸) این نوع حیله‌های ربا که در آن نشانه‌ها و قراینی بر عدم‌قصد جدی طرفین وجود دارد، مشمول عمومات و اطلاقات نمی‌شود و با این دلیل نیز نمی‌توان حکم به صحت آن‌ها کرد. چرا که در این روش‌ها قصد به‌عنوان یکی از شرایط صحت معامله موجود نیست. بنابراین، اطلاقات و عمومات شامل این نوع از حیله‌ها نمی‌شود و به تعبیر علمی، این نوع معاملات، خروج تخصصی و موضوعی دارند. (همان)

از سوی دیگر، در بحث حیله‌ها اگر چه موضوع تغییر کرده و ظاهر معامله قرض ربوی نیست، اما عرف براساس ارتکازات، خود آن را به قرض ربوی ملحق می‌کند. این ارتکازات عرفی خود اَماره دیگری بر آن است که در حیله‌های ربا، قصد واقعی دریافت زیاده‌ای است که طرفین در معامله ربوی به‌دنبال آن هستند. (خطیبی: ۱۴۰۰، ص. ۲۴۱) ضمن این‌که ملاک حرمت ربا، ظلم است، این ملاک، قطعی و مورد تصریح قرآن است و با حیله‌های ربا این ظلم برداشته نمی‌شود. (خمینی: ۱۳۹۸، ج. ۵، ص ۳۵۳) به‌بیان دیگر، اگر در حیله‌هایی که دربردارنده تحلیل حرام‌های الهی یا اسقاط واجبات دینی است، تأملی شود، بی‌شک این مسأله مشهود است که مفسده ناشی از این حیله‌ها بسیار بیشتر از مفسده‌ای است که از خود حرام با همان نام و صورت اصلی‌اش برمی‌خیزد. گواه ما بر این حقیقت، وجدان است. بنابراین،

تغییر صورت و نام افعال حرام، همان مفسده‌ای را در پی خواهد داشت که کارِ حرام به‌خاطر آن ممنوع شده است. (فیاض: ۱۳۹۸، ص. ۱۲۷)

تصور کسانی که برای فرار از ربا به حیل تمسک می‌جویند این است که با تغییر لفظ و ظاهر، معاملات از دایره شمول حرام خارج می‌شود. این در حالی است که حقیقت و معنای آنچه آن‌ها حلال می‌پندارند، همان حقیقت و معنای حرام است و اگر بنا بود تغییر نام و صورت، تبدیل و تغییر احکام شرع را در پی داشته باشد، اساساً فلسفه تشریع احکام از سوی خداوند لغو می‌شد. (بحیری: ۱۴۰۰، ص. ۲۲۵) بر همین اساس، هر جا مسأله تأمین مالی مطرح باشد، قطعاً بحث مطالبات غیرجاری و به فراخور، بحث امهال مطالبات معوق مطرح می‌شود. در دستورالعمل امهال مطالبات غیرجاری که توسط بانک مرکزی در ابتدای سال ۹۹ به شبکه بانکی ابلاغ شد، یکی از شیوه‌های امهال، تبدیل عقود مشارکتی به عقود تسهیلاتی شامل فروش اقساطی، مرابحه، اجاره به‌شرط تملیک، سلف، خرید دِین و مشارکت کاهنده معرفی شده است.

این بخش از مقاله در صدد است به‌طور کلی قراردادهای امهالی را از منظر سه دیدگاه فقهی بالا که حکم شرعی حیل فرار از ربا را با معیار قصدِ جدی سنجیده‌اند، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. البته، نخست به‌صورت نمونه فرایند تبدیل عقود مشارکتی به عقود تسهیلاتی مزبور را در قالب چند مثال توضیح خواهیم داد. چنانچه در پایان مدت قرارداد، دارایی به‌عنوان اموال مشارکت وجود داشته باشد (برای مثال، مسکن ساخته شده باشد)، اما به‌فروش نرفته باشد یا کالای موضوع قرارداد در مضاربه فروش نرفته باشد و به این دلیل تسهیلات غیرجاری شده باشد، می‌توان سهم بانک از اموال را در قالب فروش اقساطی یا مرابحه (اقساطی یا دفعی) به مشتری واگذار کرد. همچنین، در صورتی که اموال مشارکت واجد شرایط باشد می‌توان برای واگذاری از اجاره به‌شرط تملیک نیز استفاده کرد. اما چناچه اموالی در اختیار نباشد، تسویه بدهی‌های غیرجاری مشتری ناشی از قراردادهای مشارکتی با تنزیل اسناد تجاری در قالب عقد خرید دِین، پیش‌خرید محصولات/کالا در قالب عقد سلف پیشنهاد می‌شود.

در شرایطی که بدهکار بانک، تولیدکننده کالا یا محصولی باشد که واجد شرایط و ویژگی‌های تسهیلات سلف باشد، می‌تواند با توافق بانک و انعقاد قرارداد تسهیلات سلف، قسمتی از تولید خود را به بانک پیش فروش کند. در این حالت، بانک مابه‌ازای پیش‌خرید کالا را برای تسویه بدهی وی منظور می‌کند. در سررسید نیز کالای پیش‌خرید شده را به‌قیمت مورد انتظار (بازار) به‌فروش می‌رساند. استفاده از این عقد نیز به‌عنوان یک راهکار در امهال مطالبات غیرجاری می‌تواند مفید باشد.

کاربرد عقد اجاره به‌شرط تملیک در بحث امهال مطالبات غیرجاری بدین‌نحو است که بانک در ازای مطالباتی که از مشتری دارد، یکی از دارایی‌های مشتری را تملک کرده و با این عمل، بدهی مشتری تسویه می‌شود. در ادامه، بانک دارایی را به‌صورت اجاره به‌شرط تملیک و با نرخ‌های سود جدید در اختیار مشتری قرار می‌دهد. این راهکار در مقایسه با راهکارهای پیشین از جامعیت بیشتری برخوردار است.

شیوه عملیاتی امهال از طریق قرارداد خرید دِین بدین‌صورت است که بانک‌ها می‌توانند نسبت به بدهکارانی که از یک‌سو بدهی غیرجاری داشته و از سوی دیگر، اسناد تجاری واقعی (اسنادی ناشی از معاملات با اشخاص ثالث) در اختیار دارند، با استفاده از ابزار خرید دِین، اسناد تجاری آنان را تنزیل و به‌جای پرداخت پول به مشتری، مطالبات خود را تسویه کنند. البته، مشروط بر آن‌که مبلغ اسناد تنزیلی باید اولاً، تکافوی بدهی مشتری بابت تسهیلات غیرجاری را داشته باشد و ثانیاً، سود دوره امهال (تا سررسید و وصول مبلغ اسمی اسناد) را نیز پوشش دهد. عقد خرید دین در بانکداری بدون‌ربا واجد مزایایی برای بانک و مشتری است.

اگر به مثال‌های بالا در شیوه تبدیل عقود مشارکتی به عقود تسهیلاتی دیگر دقت شود، متوجه دشواری و پیچیدگی آن در مرحله انعقاد و اجرای قرارداد و سپس، نظارت بر آن خواهید شد. این پیچیدگی ابتدائاً در مرحله انعقاد قرارداد، قصد متعاملین را دچار مشکل جدی می‌کند. با نگاه منصفانه در پرونده‌های امهالی مربوط به مطالبات غیرجاری، اساساً مشتری به‌دنبال گرفتن مهلت بیشتر از بانک است و بانک نیز به‌دنبال اطمینان از حصول سود موردنظر خود در دوره امهال است. این‌که تمدید مهلت در برابر افزایش بدهی در قالب چه قراردادی اتفاق می‌افتد شاید به‌لحاظ تبعات حقوقی برای بانک و مشتری مهم باشد، ولی معمولاً از ناحیه قصد و ابعاد شرعی آن از سوی آن‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرد.

در ادامه، روش تبدیل عقود مشارکتی به عقود تسهیلاتی دیگر در بحث امهال را از سه دیدگاه فقهی موجود در رابطه با قصد جدی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم. طبق دیدگاه نخست که به‌صورت مطلق، مخالف عدم‌مشروعیت حیله‌های ربا به‌دلیل فقدان قصد جدی و صورت‌سازی برای فرار از ربا بوده‌اند، می‌توان راهکارهای تبدیل در عقود مشارکتی را به‌صورت جدی مورد نقد قرار داد. این مسأله وقتی جدی‌تر می‌شود که یقین داریم در مسیر انعقاد عقود تسهیلاتی که حتی به مرحله امهال نرسیده‌اند، قصد قرارداد دچار مشکل است و بسیاری از مشتریان از ماهیت و نوع قرارداد اطلاع درستی ندارند. گویی فقط به‌دنبال این هستند که برای رفع مشکل کمبود نقدینگی خود از بانک پولی تحت عنوان وام دریافت کنند و اصل وام را همراه با اضافه آن پرداخت کنند. حال، چنین مشتریانی که به‌دلیل عدم آموزش و عدم دریافت اطلاعات اولیه از نوع و مفاد اصلی قرارداد بانکی اقدام به‌امضای آن می‌کنند،

در مرحله امهال تسهیلات معوق شده با وجود آن همه دشواری و پیچیدگی، آیا توان فهم و قصد جدی برای انعقاد یک قرارداد تسهیلاتی جدید برای دریافت مهلت بیشتر از بانک را دارند، بدون این‌که در ورطه شبهه ربای جاهلی واقع نشوند. این نکته حتمی است که وقتی قصد جدی برای انعقاد قرارداد وجود نداشته باشد، قرارداد به‌صورت خودکار به قرارداد قرض انصراف پیدا می‌کند و دریافت هرگونه زیاده بر اصل سرمایه، مصداق قطعی ربا و حرام خواهد بود.

طبق دیدگاه دوم که از مشروعیت برخی از حیله‌های فرار از ربا دفاع می‌کند، ابزارهایی را که برای امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکی طراحی شده می‌توان مصداق روش‌های شرعی برای جلوگیری از ابتلا به ربا در نظر گرفت. مطابق این دیدگاه، همین مقدار که طرفین قصد معامله شرعی و سود حلال داشته باشند، کافی است. زیرا قصد در معاملات به‌معنای قصد انشاست، نه قصد غایت. یعنی آنچه انشای عقد به‌عنوان یک مفهوم اعتباری برای صحت معامله کفایت می‌کند، قصد به‌معنای غایت اصلاً در انشای عقد موضوعیتی ندارد. پس، این مسأله که ممکن است طرفین معامله با هدف فرار از ربا این معامله را انجام دهند، اهمیت پیدا نمی‌کند.

البته، به‌نظر می‌رسد حتی اگر قصد را به‌معنای انشای عقد در نظر بگیریم و از وارد کردن نقد به روش‌های امهال از منظر حیل غیرمجاز ربا صرف‌نظر کنیم، همچنان می‌توانیم از حیث قاعده تبعیت عقد از قصد به عقود امهالی اشکال جدی وارد کنیم. چرا که با توجه به‌وجود امارات و نشانه‌های قوی بر ناآگاهی و بی‌اطلاعی مشتریان، حتی به‌صورت مختصر از ماهیت و نوع عقود، در مراحل آغازین دریافت تسهیلات و به طریق اولی در مراحل پیچیده انعقاد عقود امهالی، نمی‌توان به‌صورت منطقی وجود قصد جدی، حتی به‌معنای قصد انشا را از سوی مشتریان پذیرفت. (شیرعالی و دیگران: ۱۳۹۹، صص. ۲۴۴-۲۱۷)

اما از نظر دیدگاه سوم که مشروعیت حیل فرار از ربا را مشروط به‌وجود قصد جدی و جنبه عقلایی به‌طور توأمان می‌داند، شاید بتوان برای روش‌های امهال در عقود مشارکتی در قالب تبدیل قرارداد، جنبه عقلایی در نظر گرفت. اما همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، وجود قصد جدی از سوی بانک و مشتری که فقط به‌دنبال تأمین مقاصد و تضمین منافع خود هستند، میسر نیست. در واقع، اگر موقعیت معوق شدن تسهیلات پیش نمی‌آمد، نه مشتری و نه بانک، قصد انعقاد قراردادهای تسهیلاتی دیگر را به‌عنوان جایگزین عقود مشارکتی نداشتند.

برای نمونه، در تسهیلات سلف خیلی از بانک‌ها امکانات لازم برای تحویل‌گرفتن کالای مورد سلف را ندارند. بنابراین، در پایان مدت قرارداد از تحویل آن خودداری کرده و گاهی به وکیل یا امین کردن مشتری برای فروش کالا مبادرت می‌ورزند و صرفاً به دریافت اصل پول پرداختی به‌اضافه حداقل سود

مورد انتظار بانک در معامله سلف بسنده می‌کنند. همچنین، شعبه‌هایی که مشتری را امین یا وکیل کرده‌اند، بر کارِ فروش کالا هیچ‌گونه نظارتی به‌عمل نمی‌آورند و مشتری، وجه حاصل از فروش را تمام و کمال به بانک نمی‌پردازد و صرفاً به پرداخت اصل پول دریافتی از بانک به‌اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک بسنده می‌کند. این موارد در صورتی که از ابتدا قصد جدی قرارداد سلف نباشد و این قرارداد در ظاهر پوششی برای قرض با بهره باشد، حیله حرام است. زیرا از ابتدا قصد جدی به مفاد بیع سلف وجود ندارد. بنابراین، به‌دلیل عدم‌فرق با قرض ربوی، حیله حرام شمرده می‌شود. (میرمعزی: ۱۳۸۵، ص. ۱۲۶) در این مورد، برداشت عرف هم این است که چنین قسم معاملاتی با این شیوه از اجرا، نوعی فرار از رباست که اتفاقاً در تناقض با مقاصد و اهداف شریعت نیز قرار دارد.

در نهایت، به‌نظر می‌رسد با وجود آسیب‌پذیری روش‌های امهال با معیار فقدان قصد جدی، اما کماکان این راهکارها را نمی‌توان با نگاه صفر و یک ارزیابی کرد. به هر حال، هدف و دغدغه اصلی طراحان این ابزارها این بوده که با استفاده از ظرفیت فقه امامیه در باب معاملات و عقود اسلامی و همچنین، تبیین گام‌به‌گام مسیر و فرایند تبدیل قراردادهای مشارکتی به سایر عقود تسهیلاتی با کمترین اشکال شرعی، راه را بر وقوع ربای جاهلی مسدود سازند. اگر چه ابزارهای امهال می‌توانند در مرحله عمل با شبهات و چالش‌های فقهی مواجه شوند، اما نمی‌توان در رابطه با مسأله امهال مطالبات غیرجاری با جمود برخورد کرد. چرا که وقتی شبکه بانکی وظیفه تأمین مالی را برعهده می‌گیرد، خواه ناخواه با چالش امهال مطالبات معوق نیز مواجه می‌شود، مخصوصاً در اوضاع کنونی اقتصاد کشور که دلایل قهری بسیاری برای تغییر تمکن مالی مشتریان و در نتیجه، معوق شدن اقساط وجود دارد.

بنابراین، ضروری است با نگاه واقع‌بینانه در اوضاع دشوار اقتصادی که ناشی از عواملی قهری همچون تحریم نیز هست، به‌دنبال شیوه‌های راهگشا در طراحی ابزارهای امهال بود. ابزارهایی که به دور از نگاه سهل‌گیرانه و اباحه‌گرانه و با جدیت بر رعایت موازین شرعی در مراحل مختلف قرارداد شامل انعقاد، اجرا و نظارت، شرایط را برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی برای فعالان بازار، بالاخص در حوزه تولید، فراهم آورد. اگر با نگاه منصفانه به شیوه‌های امهال در عقود مشارکتی در قالب روش تبدیل قرارداد نگاه کنیم، شبهه فقدان قصد جدی چه به‌معنای قصد انشا در قاعده تبعیت عقد از قصد باشد و چه به‌معنای قصد غایت در بحث حیل ربا، وجود دارد. وجود این اشکال این تصور را در اذهان صاحب‌نظران بانکداری اسلامی و حتی عموم مردم ایجاد کرده که این روش‌ها صرفاً سرپوشی برای فرار از ربا از طریق تغییر نام عقود است.

به‌نظر می‌رسد برای رفع چنین تصور مخدوشی و حفظ حسن شهرت نظام بانکی باید از طریق کاهش پیچیدگی و دشواری شیوه‌های مورد استفاده در بحث امهال و نظارت مستمر بر اجرای آن، به استفاده حداقلی از آن فقط در شرایط ضرورت و اضطرار اکتفا کرد و نباید بار اوضاع دشوار اقتصادی کشور را (که باعث ایجاد مشکلات موقت برای فعالان بازار و تولیدکنندگان می‌شود)، بر دوش شبکه بانکی تحمیل کرد. البته، هیچ‌یک از این اشکالات نباید مانع استفاده هوشمندانه از ظرفیت عقود اسلامی در راستای حل یکی از مهم‌ترین معظلات شبکه بانکی کشور شود.

آسیب‌شناسی روش‌های امهال از منظر سایر اشکالات فقهی

صرف‌نظر از ابعاد فقهی و شرعی راهکارهای امهال مطالبات غیرجاری، از دیگر موضوعات حایز اهمیت در موضوع امهال مطالبات غیرجاری سیستم بانکی کشور، بحث اخذ وجه التزام تأخیر تأدیه دِین، حرمت محاسبه سود بر سود (ربح مرکب) و مقولاتی از این قبیل است که طی سال‌های گذشته تاکنون همواره در محافل مختلف جامعه محل مباحثه و مناقشه بوده و از دغدغه‌ها و حساسیت‌های مهم بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور محسوب می‌شود. کسب نظرها و دیدگاه‌های اعضای محترم شورای فقهی به‌عنوان مرجع ذی‌صلاح پیرامون موضوع مذکور (اجزای قابل‌امهال مطالبات غیرجاری) می‌تواند راهگشا و در اتخاذ تصمیمات متعاقب، مفید باشد.

وجه التزام که سخن از حکم فقهی آن در فصل گذشته از نظر گذشت، از اشکالات فقهی مهم در این حوزه است. درباره حکم شرعی دریافت جریمه دیرکرد از مشتریان متخلف، دو دیدگاه وجود دارد. برخی از فقیهان قایل به مشروعیت و برخی قایل به عدم مشروعیت شده‌اند. طرفداران دیدگاه مشروعیت، دریافت جریمه دیرکرد در عقدهای بانکی را براساس دو مبنا صحیح و مشروع می‌دانند. شرط کیفری، مالی است که از نظر فقهی ذیل قاعده «المؤمنون عند شروطهم» قرار می‌گیرد. با ملاحظه این مبنا، جریمه دیرکرد ماهیتی تنبیهی و مجازاتی می‌یابد. زیرا طبق مبنای شرط کیفری، جریمه دیرکرد، کیفر مدنی مشتری متخلف شمرده می‌شود که تعهد خویش مبنی بر تأدیه به‌موقع بدهی را نقض کرده است. جریمه دیرکرد را باید مفهومی متفاوت از خسارت تأخیر تأدیه تلقی کرد و این تفاوت در تعیین حکم شرعی، تعیین مسئول دریافت مبالغ جریمه و همچنین، تعیین نرخ جریمه، اثر دارد. طرفداران عدم مشروعیت بر این باورند که دریافت جریمه دیرکرد در عقدهای بانکی براساس شرط کیفری، مال مخدوش و به جهت ربوی بودن آن، باطل شمرده می‌شود. زیرا دریافت زیاده بر مبلغ اصلی دِین اگر در قرارداد قرض باشد، شرط انتفاع شمرده می‌شود و اگر در عقدهای دیگر باشد، مصداق ربای جاهلی است.

اشکال شرعی دیگر، جریمه مضاعف است. جریمه مضاعف یکی از روش‌های محاسبه وجه التزام بانکی است که در بحث مطالبات معوق مطرح می‌شود. در واقع، می‌توان گفت یکی از اعتراضات همیشگی به شبکه بانکی، دریافت جریمه مضاعف یا مرکب است. بدین‌معنا که اصل و سود و جرایم تسهیلات یکجا جمع شده و مجدداً در قالب تقسیط مجدد بدون تکیه بر بخش واقعی اقتصاد و صرفاً به‌منظور تسویه بدهی، مبنای دریافت سود و وجه التزام قرار می‌گیرد. در واقع، جریمه مضاعف یکی از روش‌های محاسبه وجه التزام بانکی است که در بحث مطالبات معوق مطرح می‌شود. برخی از قراردادهای بانکی، بدهکاران را علاوه بر اصل بدهی، به پرداخت مبلغی به‌عنوان وجه التزام ملزم می‌کنند. حال، اگر این افراد بدهی خود را برای چندین سال به تأخیر اندازند، محاسبه وجه التزام برای همه این سال‌ها تکرار می‌شود و به‌اصطلاح از آن‌ها جریمه مضاعف دریافت می‌شود. از نظر شرعی چندین برابر کردن جریمه صحیح نیست و وجه التزام فقط به اصل بدهی و سود تسهیلات اولیه تعلق می‌گیرد، نه این‌که بر اصل بدهی به‌علاوه وجه التزام سال‌های قبل، وجه التزام مجدد تعلق بگیرد. براساس دستورالعمل امهال مطالبات که از ابتدای سال ۱۳۹۹ به‌تصویب شورای فقهی بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار رسیده و توسط بانک مرکزی ابلاغ شده، از ابتدای امسال، دریافت هرگونه سودی از وجه التزام، یعنی سود پس از سررسید و ۶ درصد جریمه، حرام و غیرقانونی است و بانک‌ها حق دریافت سود مرکب را ندارند.

براساس مصوبه شورای نگهبان، گرفتن وجه التزام فقط برای اصل بدهی مجاز است. البته، اصل بدهی شامل اصل تسهیلات به‌علاوه سود تسهیلات می‌شود. به اعتقاد شورای نگهبان و استفتای رهبر معظم انقلاب، وجه التزام علاوه بر اصل تسهیلات به سود متعلقه حاصله از عقود شرعی به‌عنوان اصل بدهی هم تعلق می‌گیرد. بنابراین، اگر به فرض فردی ۱۰۰ میلیون تومان تسهیلات در قالب عقد مضاربه یکساله با نرخ ۲۰ درصد سود بگیرد، در حالت سود ساده پس از یک سال، باید ۱۲۰ میلیون تومان به بانک پرداخت کند. اما در صورت عدم بازپرداخت، در پایان سال دوم، ۲۶ درصد وجه التزام (مرکب از ۲۰ درصد سود پس از سررسید و ۶ درصد جریمه) از ۱۲۰ میلیون تومان بدهی به بانک بدهکار خواهد بود که تا اینجای کار تفاوتی بین محاسبه سود ساده قانونی و مرکب وجود ندارد. اختلاف درخصوص سود تسهیلات ساده و مرکب در پایان سال سوم رخ می‌دهد. بنابراین، در صورتی که بخواهیم بابت تسهیلات ۱۰۰ میلیون تومانی، در پایان سال سوم یا چهارم یا پنجم سود ساده دریافت کنیم، تنها همان ۲۶ درصد بابت ۱۲۰ میلیون تومان بدهی در پایان هر سال دریافت خواهد شد. در این حالت، ۲۶ درصد وجه التزام ثابت فرض شده و به این رقم، سود و وجه التزام دیگری تعلق نمی‌گیرد. با این حال، در حالت سود مرکب در پایان سال سوم، به‌عنوان وجه التزام، ۲۶ درصد سود از حدود ۱۵۱ میلیون تومان دریافت و

در پایان سال چهارم، ۲۶ درصد از حدود ۱۹۰ میلیون تومان دریافت می‌شود. این در حالی است که دریافت وجه التزام از وجه التزام حرام است و بانک‌ها باید رقم وجه التزام را در کلیه سال‌های پس از سررسید فریز شده و ثابت در نظر بگیرند. در این حالت، دریافت جریمه مضاعف موجب ایجاد این ذهنیت می‌شود که گویی بانک‌ها با تخلف مشتریان در رابطه با عدم‌بازپرداخت به‌موقع بدهی مشکل ندارند و حاضرند با دریافت وجه التزام، به مشتریان مهلت بیشتری برای تأخیر بدهند. طبق نظر شورای نگهبان نیز وجه التزام را نمی‌توان به‌عنوان یک قرارداد جدید برای استمرار بدهی و افزایش مبلغ بدهی در نظر گرفت، چرا که در این صورت با ربای جاهلی فرقی نخواهد داشت.

حالت دوم زمانی رخ می‌دهد که بانک‌ها تسهیلات اخذ شده را تجمیع و تقسیط می‌کنند. بدین‌معنا که کل بدهی مشتری اعم از اصل و سود و وجه التزام را بدون تکیه بر بخش واقعی اقتصاد و داشتن موضوع فعالیت مشخص و صرفاً با موضوع و هدف تسویه دیون سابق در قالب تسهیلات جدیدی به فرد تسهیلات‌گیرنده پرداخت می‌کنند که اینجا نیز حالت دوم جریمه مرکب رخ می‌دهد.

درخصوص این‌که آیا امکان اعطای تسهیلات به‌منظور تسویه تسهیلات قبلی از لحاظ شرعی وجود دارد، باید گفت در صورتی که بانک تسهیلاتی صوری و غیرواقعی مبتنی بر بخش غیرواقعی اقتصاد بدهد، از مصادیق ربای جاهلی و حرام است. با این حال، در صورتی که تسهیلات‌گیرنده توان بازپرداخت اقساط خود را نداشته باشد، بانک می‌تواند در قالب پرداخت تسهیلات واقعی با موضوع مشخص به وی کمک کند. برای مثال، محصولات تولیدی آن را به‌طور سلف پیش‌خرید یا چک‌ها و اسناد وی را خرید دِین کرده و به‌میزان نیاز در قالب تسهیلات جدید به وی پرداخت کند و در این زمان می‌تواند بخشی از منابع تسهیلات جدید را با دیون سابق مشتری تهاتر کند.

درخصوص نحوه امهال مطالبات در سال ۹۹ و تجمیع اصل تسهیلات، سود و وجه التزام با یکدیگر و تسویه آن با پرداخت تسهیلات جدید، براساس تصمیم شورای فقهی بانک مرکزی و دستورالعمل ابلاغی امهال مطالبات، وجه التزام (مرکب از سود پس از سررسید و ۶ درصد جریمه) باید تحت هر شرایطی فریز شود و هیچ امکانی برای دریافت سود از وجه التزام وجود ندارد. وجه التزام براساس دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی باید در قالب تقسیط بدون سود یا دریافت نقدی تعیین‌تکلیف شود و سیاست فعلی بانک مرکزی و شورای فقهی آن است که بانک‌ها امکان امهال و دریافت سود از وجه التزام را ندارند.

جمع‌بندی

امهال مطالبات معوق و تبدیل آن به مطالبه جاری و ساخت دارایی‌های موهومی در طرف دارایی ترازنامه بانک‌ها یکی از علل مهم تداوم و پنهان ماندن ناترازی شبکه بانکی به‌حساب می‌آید. فرایند امهال مطالبات غیرجاری، راهکارهای متنوعی دارد که شامل تمدید، تجدید و تبدیل قرارداد می‌شود. طراحی این ابزارها عموماً با هدف مهلت دادن به مشتریانی صورت گرفته که به‌طور موقت دچار مشکل اقتصادی شده‌اند یا به‌دلیل استمرار فعالیت اقتصادی خود به زمان بیشتری برای در اختیار داشتن تسهیلات احتیاج دارند. مهم‌ترین دلیلی که مشروعیت استفاده از این ابزارها را به‌صورت جدی با اشکال مواجه می‌سازد، وجود شبهه ربای جاهلی است. بسیاری از صاحب‌نظران بانکداری اسلامی معتقدند این شیوه‌ها همان شیوه سنتی تمدید مدت در مقابل افزایش بدهی است که سعی شده با پنهان شدن در پسِ فرایندی غامض و پیچیده، به‌روز شود.

ارزیابی شیوه‌های امهال از منظر معیار قصدِ جدی حاکی از آن است که به‌دلیل فقدان قصد جدی، شبهه ربای جاهلی به‌صورت متنابهی در این راهکارها وجود دارد. در واقع، با توجه به پیچیدگی روش‌های امهال و ناآگاهی از ماهیت و مفاد قراردادهای امهالی، اصلاً نمی‌توان به‌صورت منطقی در فرایند اجرایی بانک‌ها، انعقاد قرارداد را همراه با قصد جدی از سوی بانک و مشتریان متصور شد. در مرحله انعقاد قرارداد، طرفین قرارداد به‌دلیل ناآگاهی از ماهیت قرارداد، نمی‌دانند چه قالب حقیقی را انشا می‌کنند. جهل و فقدان قصد انشا، معامله را از منظر قاعده تبعیت عقد از قصد، دچار اشکال جدی می‌کند. گرچه در بسیاری از معاملات آنچه به‌طور آشکار به‌عنوان هدف و غایت دنبال می‌شود، فرار حیله‌گرانه از ظاهر رباست.

از دیگر چالش‌های فقهیِ قراردادهای امهالی، مسأله وجه التزام و جریمه مضاعف است. در قراردادهای امهالی، بدهکاران علاوه بر اصل بدهی، به پرداخت مبلغی به‌عنوان وجه التزام ملزم می‌شوند. حال، اگر این افراد بدهی خود را برای چندین سال به تأخیر اندازند، محاسبه وجه التزام برای همه این سال‌ها تکرار می‌شود و به‌اصطلاح از آن‌ها جریمه مضاعف دریافت می‌شود. دریافت جریمه بر جریمه به‌لحاظ فقهی دارای مشکل است. در نهایت، به‌نظر می‌رسد با توجه به ضرورت استفاده از راهکارهای امهالی در اوضاع دشوار اقتصادی موجود، باید از طریق کاهش پیچیدگی شیوه‌های مورد استفاده در بحث امهال و نظارت مستمر بر اجرای آن، به‌استفاده حداقلی از آن فقط در مواقع ضرورت و اضطرار اکتفا کرد و با استفاده از روش‌های نوآورانه در آموزش راهکارهای امهال به بانک و مشتری، زمینه را برای واقعی شدن معاملات فراهم کرد. با استفاده حداقلی از روش‌های امهال مطالبات، ایجاد دارایی‌های موهومی برای بانک‌ها نیز کاهش می‌یابد.

منابع و مأخذ

۱- بحیری، محمدعبدالوهاب. (۱۴۰۰)؛ «حیله‌های شرعی ناسازگار با فلسفه فقه». چاپ دوم. ترجمه حسین صابری. مشهد: ***بنیاد پژوهش‌های اسلامی***.

۲- جمعی از نویسندگان بخش فرهنگی جامعه مدرسین. (۱۳۸۱)؛ «پیشینه تاریخی ربا». ***قم: دفتر تبلیغات اسلامی***.

۳- خطیبی، مهدی. (۱۴۰۰)؛ «تفکیک حیله‌های مجاز و حیله‌های غیرمجاز قرض ربوی با معیار عرف»، ***فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی***. دوره سیزدهم، اول.

۴- رضوی، رعنا. (۱۴۰۱)؛ «رهگیری دارایی‌های سمی در بانک‌های تجاری»، ***دنیای اقتصاد***. شماره ۵۵۱۶.

۵- سیفی مازندرانی، علی‌اکبر. «دلیل تحریرالوسیله (فقه‌الربا)». نسخه موجود در نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت (۲). ***بی‌تا***.

۶- شیرعالی، ستار؛ باقری، محمود؛ بادینی؛ محمود. (۱۳۹۹)؛ «بررسی ابعاد حقوقی امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکی ایران»، ***اقتصاد اسلامی***. شماره ۸۰.

۷- فیاض، محمدصادق. (۱۳۹۸)؛ «چالش حیله‌های شرعی فرار از ربا در نظام فقهی امام خمینی (ره)»، ***فصلنامه گفتمان فقه حکومتی***. شماره ۳.

۸- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴)؛ «ربا، بانک و بیمه». ***تهران: انتشارات صدرا***.

۹- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵)؛ «بررسی طرق فرار از ربا». ***قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (ع)***.

۱۰- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۷ ق.)؛ «کتاب البیع». ***نجف: انتشارات الآداب***.

۱۱- میرمعزی، حسین. (۱۳۸۵)؛ «حیله‌های ربا»، ***اقتصاد اسلامی***. دوره ششم، شماره ۲۴.